

اقتصاد کلان

استاد: آقای جعفر مختاری شیره جینی

رشته تحصیلی: حسابداری

دانشگاه جامع علمی - کاربردی

« اقتصاد کلان »

برخلاف اقتصاد خرد که در آن مفاهیم مربوط به اشخاص، خانواده ها و شرکتها بوده در اقتصاد کلان مفاهیم گسترده تری که شامل بخشهای زیادی از جامعه می شود بحث می کنیم. مفاهیم اساسی در اقتصاد کلان عبارتند از: نظریه های سرمایه گذاری، تولید و درآمد ملی، اشتغال و بیکاری، سطح عمومی قیمتها، تورم و فقر، نظریه های پولی و مالی، نرخ بهره و ...

بنابراین هرچند از مفاهیم اقتصاد خرد بهره خواهیم گرفت اما هدف ما در نهایت تعمیم دادن به کل جامعه و یا بخشی از آن است. (مانند: مصرف که ابتدا مصرف خانواده ها و اشخاص را بررسی می کنیم و سپس کل جامعه را مورد مطالعه قرار می دهیم تا سهم از تولید را محاسبه کنیم).

« اهداف اقتصاد کلان »

به طور کلی دولتها در اقتصاد دخالت می کنند تا به چند هدف مشخص دست یابند مهمترین این اهداف عبارتند از:

۱- اشتغال کامل، ۲- افزایش تولید (رشد مداوم و توسعه پایدار)، ۳- ثبات قیمتها، ۴- عدالت اجتماعی

۱. **اشتغال کامل:** منظور از اشتغال کامل وضعیتی است که در آن بیکاری وجود نداشته باشد و یا به حداقل ممکن برسد.

۲. **افزایش تولید (رشد مداوم و توسعه پایدار):** منظور از افزایش در مقدار تولید در هر دوره مختلف می باشد، اما منظور از توسعه مفهومی فراتر از رشد می باشد. در مفهوم توسعه میزان آن به صورت عدد مشخص نمی شود بلکه مفهومی کیفی است. (مانند: بهبود وضعیت بهداشت و یا افزایش کیفیت آموزشی). در نهایت هدف از افزایش تولید رسیدن به رفاه بیشتر می باشد و هدف نهایی فعالیتهای اقتصادی دولت نیز دستیابی به توسعه پایدار است.

۳. **ثبات قیمتها:** یکی از مهمترین اهداف اقتصادی دولتها جلوگیری از نوسانات شدید قیمت در بازار می باشد.

۴. **عدالت اجتماعی:** یکی دیگر از وظایف دولتها کاهش اختلاف طبقاتی و کاهش تفاوت بین افراد فقیر و غنی می باشد. این مسئله تحت عنوان عدالت اجتماعی مطرح می شود و هدف از آن برخورداری اکثر مردم از شرایط مناسب زندگی است.

« حسابهای ملی »

دولتها نیز مانند شرکتها باید وضعیت اقتصادی خود را ثبت نمایند تا براساس آن برای آینده برنامه ریزی انجام دهند، بنابراین این حساب ها برآوردی از میزان تولید یک کشور و درآمدهای آن می باشند که با استفاده از آن می توان عملکرد یک کشور را در حوزه اقتصاد مشخص نمود.

حساب های ملی انواع گوناگونی دارد که مهمترین آنها عبارتند از:

۱. تولید ناخالص داخلی (GDP)، ۲. تولید ناخالص ملی (GNP)، ۳. تولید خالص ملی (NI)(NNP)

۱- تولید ناخالص داخلی (GDP)

به مجموع ارزش کالاها و خدمات نهایی تولید شده در داخل مرزهای یک کشور در طول یکسال تولید ناخالص داخلی (GDP) گفته می شود. در این تعریف بر چند نکته تأکید شده است.

الف: **تولید نهایی:** علت تأکید برآن به این خاطر است که در محاسبه (GDP) فقط کالاهای کاملاً ساخته شده مورد نظر است و کالاهای نیمه ساخته محاسبه نمی شوند..

ب: **استهلاک:** حساب های ملی معمولاً به صورت ناخالص بیان می شوند به این معنی که هزینه استهلاک آن محاسبه نشده است هرگاه استهلاک را از آن کسر نماییم رقم حاصل شده مبلغ ناخالص خواهد بود.

ج: **داخل مرزها:** علت تأکید بر تولید داخل مرزها آن است که در مواردی ممکن تولید یک کشور در خارج صورت پذیرد. (مانند: تولید ایران خودرو که علاوه بر داخل کشور در سوریه و آفریقا نیز تولید انجام می دهد) در این حالت تنها تولید داخلی را محاسبه می کنیم و درآمد ناشی از خارج از کشور به حساب نمی آید.

۲- تولید ناخالص ملی (GNP)

به مجموع ارزش کالاها و خدمات نهایی تولید شده توسط افراد یک کشور در سراسر جهان تولید ناخالص ملی یا (GNP) گفته می شود مانند: درآمدی که توسط ایرانیان خارج از کشور به ایران باز می گردد و یا درآمدی که کارگران افغانی از ایران خارج می کنند. در این حالت خالص دریافتی از خارجی ها در محاسبه تولید ناخالص ملی باید لحاظ شود.

به طور کلی تولید ناخالص ملی = تولید ناخالص داخلی + (دریافتی از خارج کشور - پرداختی به خارجیها) در واقع:

$$GNP = GDP + (NF)$$

$$(NF) = \text{خالص دریافتی از خارج}$$

مثال:

GDP ایران در سال ۹۰ معادل ۴۰۰ میلیارد دلار بوده که در همین سال ایرانیانی که خارج از کشور بودند ۲۰ میلیارد دلار وارد کشور نمودند و در مقابل کارگران افغانی شاغل در ایران ۴۵ میلیارد از کشور خارج کردند تولید ناخالص ملی ایران در سال ۹۰ را محاسبه کنید؟

$$20 - 45 = (-25) \Rightarrow NF$$

$$GNP = 400 + (-25) \Rightarrow 375$$

«تولید خالص ملی NI یا درآمد ملی»

همچنان که گفته شد اگر از تولید ناخالص ملی رقم مربوط به استهلاک را کسر کنیم تولید خالص ملی بدست می آید که آن را با **NNP** نمایش می دهیم. در صورتیکه مالیات و پرداخت های انتقالی (مانند کمکهای بلاعوض) از آن کسر شود درآمد ملی بدست می آید که آنرا با **NI** نشان می دهیم و بیانگر مجموع درآمدهای کسر شده توسط افراد یک کشور در یک دوره معین است.

«روش محاسبه حسابهای ملی»

حسابهای ملی را به ۳ روش می توان محاسبه نمود که عبارتند از:

۱- روش درآمدها ۲- روش ارزش افزوده (تولید) ۳- روش هزینه یا مخارج

۱- روش درآمدها:

یکی از روش های محاسبه **GDP** روش درآمد است که در آن مجموع درآمدهایی که نصیب اقشار مختلف جامعه می شود محاسبه می گردد. مانند حقوق کارگران، کارمندان، سود سرمایه داران، اجاره مالکان و ... مبنای محاسبه در این روش اظهارنامه های مالیاتی می باشد که توسط افراد ارائه می گردد ولی در اقتصاد ایران کارایی چندانی ندارد.

۲- روش ارزش افزوده (تولید):

در این روش ارزش افزوده بخشهای مختلف اقتصاد با هم جمع می شود تا میزان تولید کل بدست آید. بهای اضافه شده به قیمت یک کالا در طی یک مرحله از فرآیند تولید را ارزش افزوده می گوئیم. به عبارت دیگر ارزش افزوده عبارتست از اختلاف قیمت بین کالای نهایی تولید و قیمت مواد اولیه می باشد.

مثال:

ارزش افزوده مراحل مختلف تولید نان به شرح زیر است:

$$۱۰۰ + ۱۵۰ + ۱۵۰ + ۴۰۰$$

۳- روش هزینه یا مخارج:

در این روش بدنبال آن هستیم که بدانیم آنچه که در طول یکسال تولید شده چگونه مورد استفاده قرار گرفته است. بنابراین GDP برابر است با مجموع کالاها و خدماتی که توسط بخش های مختلف مورد استفاده قرار می گیرد و در مورد این موضوع بطور کامل بحث خواهیم کرد.

مثال:

الف) فرض کنید در یک اقتصاد ساده فقط دو کالای پیراهن و خودرو تولید می شود. برای تولید پیراهن از ماده اولیه پارچه برای تولید خودرو از ماده اولیه فولاد استفاده شده است. ارقام تولید و قیمت در سال ۸۸ به شرح زیر است :

سال ۸۸	پارچه	پیراهن	فولاد	خودرو
مقدار	۱۰۰۰	۵۰۰	۴۰۰۰	۳
قیمت واحد	۲۰۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰
قیمت کل	۲۰۰۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰۰	۸۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰

$$GDP_{88} = ۳۵۰۰۰۰۰۰۰$$

$$GDP_{88} = ۳۰۰۰۰۰۰۰۰ + ۵۰۰۰۰۰۰۰$$

ب) فرض می کنیم در سال ۸۹ مقدار تولید و قیمت مطابق جدول روبرو تغییر کرده باشد GDP سال ۸۹ را محاسبه کنید :

سال ۸۹	پارچه	پیراهن	فولاد	خودرو
مقدار	۸۰۰	۴۰۰	۴۰۰۰	۳
قیمت واحد	۲۰۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰	۱۵۰۰۰۰۰۰
قیمت کل	۱۶۰۰۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰۰۰	۸۰۰۰۰۰۰۰	۴۵۰۰۰۰۰۰۰

$$GDP_{89} = ۴۹۰۰۰۰۰۰۰$$

$$GDP_{89} = ۴۵۰۰۰۰۰۰۰ + ۴۰۰۰۰۰۰۰۰$$

GDP به قیمت جاری و قیمت واقعی

همانگونه که در مثال قبلی مشخص شد اگر در محاسبه GDP قیمت های مختلف را وارد کنیم دچار اشتباه خواهیم شد چرا که در این مثال فقط به دلیل افزایش قیمت خودرو GDP_{89} بیش از GDP_{88} بدست آمد. برای رفع این مشکل یکسال را به عنوان سال پایه در نظر می گیریم (مثلاً سال ۸۸ و قیمت های سالهای بعد را براساس آن محاسبه می کنیم). در این صورت GDP به قیمت واقعی بدست می آید.

موارد استثناء در محاسبه GDP

در محاسبه GDP تمام کالاها و خدماتی که در طول یکسال تولید شده اند به حساب می آیند. اما مواردی وجود دارد که استثناء می باشد و به ۲ گروه تقسیم می شود.

الف) کالاها و خدماتی که مبادله می شوند ولی در GDP منظور نمی گردد:

- کالای قاچاق - کالاهای دسته دوم - هدیه و انفاق

ب) کالا و خدماتی که مبادله نمی شود ولی در GDP منظور می گردد:

- خود مصرفی کشاورزان - اجاره مالکان - کارمزد احتسابی بانکها

« سوال »

آیا استفاده از GDP به عنوان یک شاخص ایده آل همواره مطمئن و بدون اشکال است؟

پاسخ:

خیر- زیرا GDP به برخی از موارد اشاره ندارد که در اقتصاد دارای اهمیت می باشد از آن جمله می توان به ایرادات زیر اشاره نمود:

۱- برخی از فعالیتها در GDP منظور نمی شود. (مانند فعالیت خانم خانه دار)

۲- اقتصاد زیرزمینی (قاچاق) در GDP وارد نمی شود.

۳- GDP در مورد کیفیت اشاره ای نمی کند.

۴- GDP در مورد خسارتهای زیست محیطی بحث نمی کند.

روش هزینه ها (مخارج)

یکی از معمول ترین روشهای محاسبه GDP روش مخارج می باشد که در آن نحوه استفاده از کالاها و خدمات تولید شده در طول یکسال مشخص می گردد.

$$GDP = C + I + G + (X - M)$$

بنابراین می توانیم بنویسیم:

در این رابطه:

C مصرف بخش خصوصی، **I** سرمایه گذاری صورت گرفته، **G** هزینه ها و مصارف دولت، **X** میزان صادرات، **M** میزان واردات می باشد.

- مصرف بخش خصوصی (C):

همواره بخش مهمی از تولیدات هر کشور توسط مردم آن جامعه مصرف می شود مصرف می تواند کوتاه مدت باشد. مانند: میوه، لبنیات و ... و یا بلند مدت باشد. مانند: پوشاک و خودرو...

میزان مصرف هر فرد و خانواده به درآمد قابل تصرف آنها بستگی دارد که با (Y_d) نشان می دهیم.

طبق رابطه زیر ارتباط مصرف و درآمد به شکل فوق است:

$$c = a + b (Y_d)$$

در این رابطه **c** نشان دهنده مصرف و Y_d درآمد قابل تصرف می باشد و **a** مصرف ثابت است که ارتباطی با درآمد ندارد یعنی حتی در صورتیکه که درآمد به صفر برسد میزان مصرف صفر نخواهد شد و آن را مصرف مستقل از درآمد نیز می گوییم. در این رابطه **b** میل نهایی به مصرف نامیده می شود و نشان دهنده بخشی از افزایش درآمد است که به

$$b = \frac{\Delta c}{\Delta y} = \frac{\text{تغییرات مصرف}}{\text{تغییرات درآمد}}$$

مصرف می رسد. **b** از رابطه فوق بدست می آید.

مثال:

اگر درآمد یک فرد از ۱۰۰۰ دلار به ۱۲۰۰ دلار افزایش یابد و مصرف وی از ۸۰۰ به ۹۰۰ دلار افزایش یابد میل نهایی به مصرف را محاسبه کنید

$$b = \frac{\Delta c}{\Delta y} = \frac{900 - 800}{1200 - 1000} = \frac{100}{200} = \frac{1}{2} = 0.5$$

ملاحظه می شود که با افزایش درآمد مصرف نیز بیشتر می شود اما میزان افزایش مصرف به اندازه افزایش درآمد نیست.

مثال:

الف) اگر مصرف ثابت یک خانواده ۲۰۰ هزار تومان و میل نهایی به مصرف ۰/۷ باشد تابع مصرف این خانواده را بنویسید:

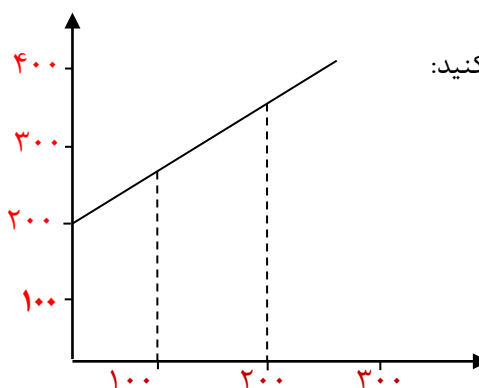
$$a=200 \quad b=0.7$$

$$C = a + b(Y_d) \Rightarrow C = 200 + 0.7(Y_d)$$

$$Y_d = 0 \quad C = 200$$

$$Y_d = 100 \quad C = 270$$

$$Y_d = 200 \quad C = 340$$



ب) منحنی مصرف را رسم کنید:

C

مثال:

با افزایش درآمد یک فرد از ۶۰۰ دلار به ۹۰۰ دلار و میزان مصرف او از ۵۰۰ به ۷۰۰ دلار افزایش یافته است اگر مصرف ثابت او ۳۰۰ دلار باشد:

$$b = \frac{\Delta c}{\Delta y} = \frac{700 - 500}{900 - 600} = \frac{200}{300} = \frac{2}{3} = 0.67$$

الف) تابع مصرف را بنویسید؟

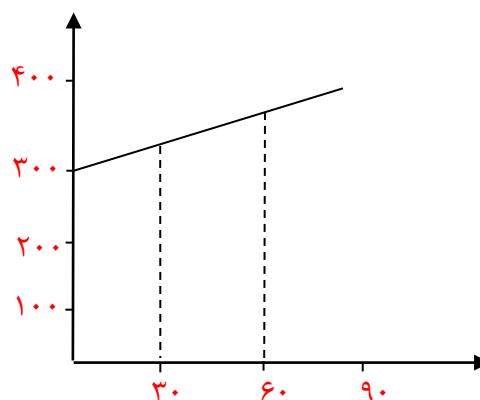
$$C = a + b(Y_d) \Rightarrow C = 300 + 0.67(Y_d)$$

ب) منحنی مصرف را رسم کنید:

$$Y_d = 0 \quad C = 300$$

$$Y_d = 30 \quad C = 320 \Rightarrow 300 + \frac{2}{3}(30) = C$$

$$Y_d = 60 \quad C = 340$$



ج) در درآمد ۶۵۰ دلار چه میزان مصرف خواهیم داشت؟

$$C = a + b(Y_d) \Rightarrow C = 300 + \frac{2}{3}(650)$$

$$C = 300 + 435$$

$$C = 735$$

نکته:

مقدار b همواره بین صفر و یک قرار دارد هرچقدر به یک نزدیکتر باشد یعنی آن فرد بخش بیشتری از افزایش درآمد خود را خرج می کند که این اتفاق معمولاً برای اقشار کم درآمد پیش می آید و مابقی پس انداز آن فرد می باشد. مثلاً اگر b برای یک خانواده ۰.۶۵ باشد میزان میل نهایی به پس انداز آنها ۰.۳۵ خواهد بود.

مثال:

الف) درآمد قابل تصرف یک فرد ۵۰۰ تومان و مصرف ثابت او ۲۰۰ تومان می باشد. اگر میل نهایی به مصرف ۰/۶ باشد با افزایش درآمد او به ۹۰۰ هزار تومان میزان مصرف و پس انداز او را در درآمد جدید محاسبه کنید؟

$$Y_d = 900$$

$$c = a + b(Y_d) \Rightarrow C = 200 + 0/6(900) \Rightarrow C = 740 \text{ مصرف}$$

$$S = Y_d - c \Rightarrow S = 900 - 740 \Rightarrow S = 160 \text{ پس انداز}$$

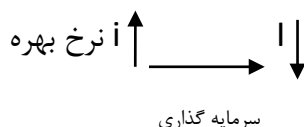
ب) در درآمد ۳۰۰ میزان پس انداز را محاسبه کنید:

$$C = 200 + 6\%(300) \Rightarrow C = 380 \text{ مصرف}$$

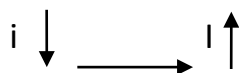
$$S = Y_d - c \Rightarrow S = 300 - 380 \Rightarrow S = -80 \text{ پس انداز}$$

سرمایه گذاری

شرکتها و افراد برای افزایش سود اقدام به سرمایه گذاری می نمایند. که این سرمایه ها در نتیجه پس انداز ایجاد می شود. زمانی که یک شرکت اقدام به سرمایه گذاری می کند مهمترین عامل برای او نرخ بهره می باشد، هر چه نرخ بهره بالاتر باشد دریافت وام از بانک و سرمایه گذاری سود کمتری خواهد داشت و در نتیجه با افزایش نرخ بهره سرمایه گذاری در اقتصاد کاهش می یابد.



از سوی دیگر با کاهش نرخ بهره تمایل شرکتها برای سپرده گذاری در بانک کاهش می یابد و بیشتر تمایل دارند در فعالیتهای اقتصادی سودآور سرمایه گذاری کنند در اینصورت خواهیم داشت.



هدف دخالت دولت در اقتصاد

معمولاً دولتها با ۳ هدف در اقتصاد دخالت می کنند:

- (۱) تخصیص بهینه منابع که شامل اشتغال و رشد می باشد.
- (۲) توزیع عادلانه ثروت
- (۳) ثبات سنجی اقتصادی

دخالت دولت در اقتصاد نیازمند هزینه هایی است که به آن مخارج دولت گویند. این مخارج باید به نحوی تأمین شود که آنها را درآمدهای دولت می نامیم.

مخارج دولت

هزینه هایی که دولت انجام می دهد به ۲ گروه تقسیم می شود:

الف) هزینه های جاری

ب) هزینه های عمرانی

الف) هزینه های جاری:

دولتها برای انجام وظایف معمول خود نیازمند هزینه هایی هستند مانند: پرسنلی، اداری و پرداختهای انتقالی که آنها را هزینه های جاری می گوئیم. این هزینه ها معمولاً مصرفی هستند و بازدهی مستقیمی ندارند همچنین انعطاف پذیری هم ندارند، یعنی با تغییر درآمد دولت، میزان این هزینه ها چندان تغییر نمی کند.

ب) هزینه های عمرانی

هزینه های مربوط به سرمایه گذاری دولت در موارد مختلف را هزینه های عمرانی گویند. مانند: احداث سد، بیمارستان، جاده و... که ماندگاری زیادی دارند ولی معمولاً انعطاف بیشتری دارند یعنی با کاهش درآمدهای دولت میزان این هزینه ها بسیار کاهش می یابد.

درآمدهای دولت

در اکثر کشورهای جهان عمده ترین منبع درآمد دولتها درآمدهای مالیاتی است اما در برخی کشورها منابع طبیعی بخش عمده ای از درآمدها را تشکیل می دهد مانند: درآمد نفتی ایران و کشورهای خلیج فارس، درآمد نیشکر و تنباکو در کوبا، قهوه در برزیل و ...

انواع مالیات

بطور کلی مالیاتها به ۲ گروه: مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم طبقه بندی می شوند.

مالیاتهای مستقیم

مالیاتهای مستقیم دارای دو ویژگی هستند اول برای هر فردی و یا شرکتی بطور جداگانه محاسبه می شود و دوم بطور مستقیم به حساب دولت واریز می گردد.

انواع مالیاتهای مستقیم عبارتند از:

۱. مالیات بر درآمد افراد
۲. مالیات بر درآمد شرکتهای
۳. مالیات بر دارایی (ارث)

مالیات غیرمستقیم

نوع دیگر مالیات، مالیات غیرمستقیم است که معمولاً به عنوان اضافه قیمت در زمان خرید کالا پرداخت می شود مانند مالیات بر ارزش افزوده این مالیات ها به ۲ گروه تقسیم می شود:

مالیات بر فروش - مالیات بر واردات

نقش دولت در اقتصاد

کالاهای عمومی: کالاهایی هستند که کلیه افراد جامعه بدون توجه به آنکه چه کسی هزینه آنرا پرداخت کرده است می توانند از آنها استفاده نمایند، مانند: تولیدات صدا و سیما، فضای سبز، امنیت و غیره....

این کالاها دارای ۲ ویژگی میباشند:

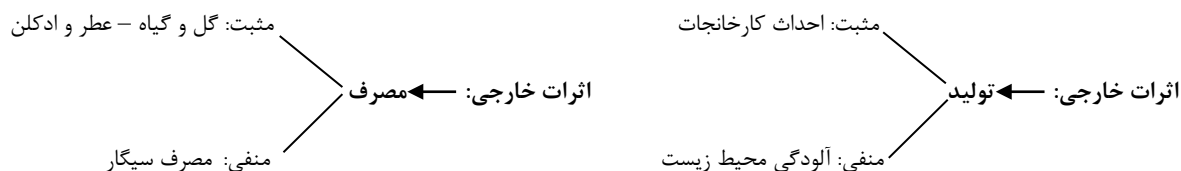
الف» با افزایش تعداد استفاده کنندگان هزینه تولید اولیه افزایش نمی باید.

ب» زمانی که یک کالای عمومی تولید شد به سختی می توانیم عده ای را از مصرف محروم کنیم.

اثرات خارجی

هنگامی که در اقتصاد مبادله ای بین ۲ گروه انجام می شود دسته ای ممکن است از آن سود ببرند و یا دچار زیان شوند در حالیکه نقشی در آن مبادله نداشتند به عنوان مثال: با ایجاد بیمارستان در یک منطقه ممکن است کسبه محل از آن سود ببرند ولی ساکنین محل دچار مشکلاتی شوند.

اثرات خارجی هم در بخش تولید و هم در بخش مصرف وجود دارد که می تواند مثبت و یا منفی باشد.



هزینه اجتماعی:

هزینه های اجتماعی عبارتست از مجموع هزینه های انجام شده توسط یک شرکت + اثرات خارجی منفی

مثال:

اگر هزینه های یک کارخانه ۲۵۰ میلیون تومان در یکسال باشد و به اندازه ۲۰٪ آن محیط زیست را آلوده کرده باشد هزینه اجتماعی برابر با چه مقدار است؟

$$250000000 + 50000000 = 300000000 \quad \text{هزینه اجتماعی}$$

منافع اجتماعی

به مجموع درآمدهای یک شرکت + اثرات خارجی مثبت منافع اجتماعی می گوئیم.

کارایی اجتماعی

اختلاف بین هزینه های اجتماعی را کارایی اجتماعی گویند که می تواند مثبت، منفی یا صفر باشد.

بانک و پول

بانکها سپرده هایی را از مردم دریافت نموده و در مقابل آن درصدی را به عنوان سود یا بهره پرداخت می کنند از سوی دیگر سرمایه گذاران از بانک وام دریافت می کنند که در مقابل بانک از آنها سود می گیرد اختلاف مبلغ دریافتی و پرداختی درآمد بانک را تشکیل می دهد.

انواع بانکها

بانکها به ۲ نوع تجاری و تخصصی طبقه بندی می شوند. بانکهای تخصصی در حوزه های مشخصی فعالیت می کنند. مانند: بانک ملی، بانکها ملت، صادرات، تجارت و... البته اخیراً بانکها تخصصی نیز حوزه فعالیت گسترده تری دارند.

بانک مرکزی

در هرکشوری یک بانک به عنوان بانک مرکزی نقش مدیریت و نظارت بر سایر بانکها را بر عهده دارد که مهمترین وظایف آن عبارتند از:

«وظایف بانک مرکزی»

۱- انتشار اسکناس و مسکوک

یکی از مهمترین وظایف بانکهای مرکزی انتشار اسکناس و سکه می باشد که مورد قبول عموم قرار گیرد.

۲- بانک بانکها

تمامی بانکهای یک کشور زیر نظر بانک مرکزی قرار داشته و با مجوز فعالیت می کنند به همین دلیل حسابهایی نزد بانک مرکزی دارند و از این بانک می توانند وام دریافت کنند.

۳- بانکدار دولت

بانک مرکزی وظیفه دارد حسابهای نهادهای دولتی را نگهداری و مدیریت کند و همچنین وضعیت بدهی های خارجی دولت را نیز بررسی و ثبت می کنند.

۴- حفظ ارزش پول ملی

یکی دیگر از وظایف بانکهای مرکزی حفظ قدرت خرید و جلوگیری از سقوط ارزش پول ملی است که این کار را با تغییر در میزان ارز انجام می دهد.

۵- اتاق پایاپای اسناد بانکی (کلر)

یکی از وظایف بانک مرکزی تبادل حسابها بین بانکهای مختلف است که این کار از طریق اتاق پایاپای انجام می شود.

۶- مجری سیاستهای پولی دولت

با وجود آنکه بانک مرکزی مستقل از دولت است ولی در اجرای برنامه های پولی دولت را یاری می دهد. مانند: کاهش یا افزایش حجم پول در جامعه

تورم

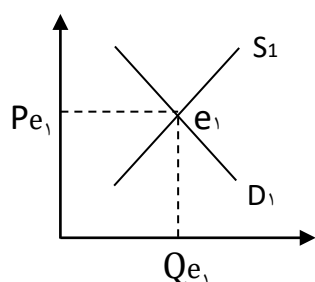
عبارتست از افزایش برگشت ناپذیر سطح عمومی قیمت ها در یک دوره معین.

دلایل بروز تورم

بنا به دلایل مختلف قیمتها ممکن است افزایش یابند که مهمترین عوامل ایجاد تورم عبارتند از:

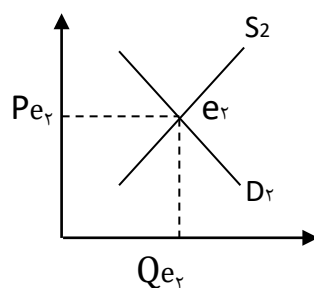
۱. فشار تقاضا

یکی از مهمترین دلایل ایجاد تورم افزایش ناگهانی تقاضا به طوریکه عرضه ندارد پاسخگویی ندارد عواملی مانند: افزایش جمعیت، مهاجرت، افزایش نقدینگی و یا تمایل به دلالی می تواند تقاضا را افزایش دهند برای توضیح بیشتر فرض می کنیم اقتصاد در حالت تعادل قرار داشته و عرضه و تقاضا با هم برابرند در نتیجه مطابق شکل ۱ نقطه تعادلی e_1 خواهد بود، قیمت تعادلی Pe_1 و مقدار تعادلی Qe_1 می باشد.



شکل شماره (۱)

اکنون فرض می کنیم بر اثر افزایش نقدینگی (مانند واریز یارانه های نقدی) تقاضا ناگهان افزایش یابد در این حالت منحنی تقاضا به سمت راست منتقل شده و از D_1 به D_2 می رسد.



مشاهده می شود با انتقال منحنی تقاضا به سمت راست و ثابت ماندن

عرضه میزان تقاضا افزایش یافته و به Qe_2 می رسد و باعث می شود قیمتها

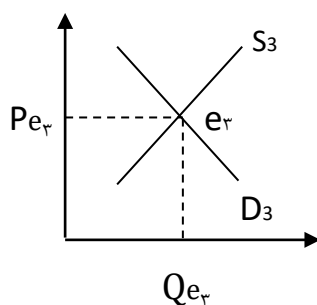
بیشتر شده و به Pe_2 برسد که نشانگر تورم می باشد

شکل شماره (۲)

۲- فشار هزینه

از سوی دیگر ممکن است افزایش هزینه های تولید باعث افزایش قیمتها شود بدین صورت که افزایش دستمزد، قیمت مواد اولیه و یا نرخ سوخت باعث می شود سود تولید کننده در کوتاه مدت کمتر شود و انگیزه کمتری برای تولید داشته باشد.

فرض می کنیم اقتصاد در حالت تعادل قرار دارد (مطابق شکل ۱) اکنون فرض می کنیم بر اثر افزایش هزینه سوخت تولیدکنندگان کمتر تولید نموده و در نتیجه منحنی عرضه به سمت چپ منتقل گشته و به S_2 برسد در آن صورت مطابق شکل ۳ نقطه تعادلی جدید e_3 خواهد بود که بیانگر کاهش تولید و افزایش قیمت می باشد.



شکل شماره (۳)

تورم ساختاری

در برخی اقتصادها به دلیل وجود اشکال در ساختار اقتصاد، تورم به وجود می آید. مانند: وابستگی به نفت، صنعت کشاورزی، سوء مدیریت و غیره ...

تورم وارداتی

از آنجاییکه اقتصادها در سطح جهان با یکدیگر در ارتباط هستند، تورم در یک کشور می تواند به کشورهای دیگر منتقل شود. مانند: افزایش قیمت مواد اولیه و کالاهای وارداتی و یا تغییر در نرخ ارز ممکن است باعث تورم شود.

شاخص‌ها

ابزاری هستند برای مقایسه و در علم اقتصاد نیز از آنها برای بررسی روند تغییرات استفاده می‌کنیم یکی از شاخص قیمت مصرف کننده (CPI) می‌باشد که به آن شاخص قیمت خرده فروشی نیز می‌گوییم.

CPI به روش فوق محاسبه می‌شود:

$$CPI = \frac{\text{هزینه سبد خانوار در سال جاری}}{\text{هزینه همان سبد در سال پایه}} \times 100$$

منظور از سال پایه یکسال فرضی است (مثلاً سال ۸۰) که در تمام سالهای بعد از آن قیمت کالاها را براساس سال پایه محاسبه می‌کنیم.

مثال:

هزینه سبد خانوار در سال ۸۰ معادل ۵۰۰ هزار تومان بوده است اگر سال ۸۰ را براساس پایه در نظر بگیریم و هزینه خانوار در سال ۸۱ به ۶۵۰ هزار تومان رسیده باشد. مطلوب است محاسبه CPI سال ۸۱:

$$\frac{650000}{500000} \times 100 = 130 = \text{CPI سال ۸۱}$$

شاخص در سال پایه همواره برابر ۱۰۰ می‌باشد

مثال:

اگر در سال ۸۲ هزینه سبد خانوار ۸۰۰ هزار تومان باشد و در سال ۸۳ معادل ۱۰۰۰۰۰۰ تومان باشد مطلوب است: CPI سالهای ۸۲ و ۸۳ را محاسبه کنید.

$$\frac{800000}{500000} \times 100 = 160 = \text{CPI سال ۸۲}$$

$$\frac{1000000}{500000} \times 100 = 200 = \text{CPI سال ۸۳}$$

مثال:

اگر در سال ۸۷ هزینه سبد خانوار ۲۴۰۰۰۰۰۰ تومان باشد شاخص سال ۸۷ را محاسبه کنید:

$$\frac{۲۴۰۰۰۰۰}{۵۰۰۰۰} \times ۱۰۰ = ۴۸۰ = \text{CPI سال ۸۷}$$

محاسبه تورم با استفاده از CPI:

تورم را می‌توانیم با استفاده از رقم هزینه خانوار محاسبه کنیم از سوی دیگر با استفاده از شاخص قیمت مصرف‌کننده تورم را می‌توان محاسبه کرد:

$$\text{نرخ تورم} = \frac{(\text{شاخص سال دوم}) - (\text{شاخص سال اول})}{(\text{شاخص سال اول})}$$

مثال:

با استفاده از CPI بدست آمده برای سالهای ۸۰ تا ۸۳ در مثال قبلی تورم سال ۸۳ را محاسبه کنید:

$$\frac{۲۰۰ - ۱۶۰}{۱۶۰} = \frac{۴۰}{۱۶۰} = \frac{۱}{۴} = ۰.۲۵ = ۲۵\%$$

اگر تورم برای سال ۹۱ را بخوانیم محاسبه کنیم با توجه به آنکه در سال ۹۰ شاخص ۱۰۵۰ واحد بوده باشد و در سال ۹۱ شاخص ۱۲۶۰ بوده باشد، تورم را در سال ۹۱ بدست آورید:

$$\frac{۱۰۵۰ - ۱۲۶۰}{۱۰۵۰} = \frac{۲۱۰}{۱۰۵۰} = \frac{۱}{۵} = ۰.۲ = ۲۰\%$$

اشتغال و بیکاری

بیکار

طبق تعریف بیکار به کسی گفته می شود که توانایی کار کردن را دارد و در جستجوی کار است اما شغل مناسب نمی یابد.

جمعیت فعال (نیروی آماده کار)

به مجموع افراد ۱۰ تا ۶۵ سال که از نظر جسمی فعالیت دارند جمعیت فعال یا نیروی آماده به کار می گوئیم. چه افرادی که شاغل هستند و چه افرادی که کار نمی کنند اگر از کل جمعیت تعداد افراد آماده به کار را کسر کنیم جمعیت غیرفعال بدست می آید که معمولاً شامل کودکان و سالمندان می باشد.

انواع بیکاری

بیکاری انواع و دلایل گوناگونی دارد که عبارتند از:

۱- بیکاری اصطکاکی

در هر جامعه ای معمولاً افراد تمایل دارند شغل خود را بهبود بخشیده و تغییر وضعیت دهند در برخی موارد این تغییر ممکن است زمان بر باشد و فرد مدتی را بیکار بماند این نوع بیکاری را اصطکاکی گویند. که یک نوع بیکاری اختیاری به شمار می رود و به همین دلیل دولتها حساسیت چندانی روی آن ندارند.

۲- بیکاری ساختاری

پیشرفتهای صنعتی و تغییر ساختار اقتصاد از سنتی به مدرن باعث می شود برخی مشاغل به مرور از بین برود. مانند: شکل کوزه گری و یا تعمیر لوازم خانگی قدیمی

دولتها در این زمینه می توانند با آموزش افراد و هدایت آنها به سمت مشاغل جدید مانع بیکاری شوند.

۳- بیکاری دوره ای

نوسانات و دوران های تجاری همواره در اقتصاد اتفاق می افتد این دوران می تواند شامل مراحل بهبود، رونق، رکود و بحران باشد در شرایط بهبود اقتصادی تقاضا، افزایش یافته و تولید و اشتغال بیشتر می شود اما در وضعیت رکود و بحران تقاضا کمتر شده و تولید کاهش می یابد در نتیجه بیکاری به وجود می آید که آنرا بیکاری دوره ای می گوئیم.

۴- بیکاری فصلی

در فصول مختلف سال مشاغل مشخصی دچار افت شده و کار خود را از دست می دهند که به آن بیکاری فصلی می گوئیم. مانند: کشاورزان در فصل زمستان و یا کاهش مشتری آژانس های مسافرتی در این فصل.

۵- بیکاری بین المللی

ارتباط بین جوامع مختلف باعث می شود تا از یکدیگر تأثیر بگیرند به همین جهت رکود اقتصادی و بیکاری در یک کشور می تواند باعث افزایش بیکاری در کشورهای دیگر شود.

تجارت بین الملل

روابط اقتصادی بین کشورهای جهان از دیرباز وجود داشته است و کشورها براساس برتری خود اقدام به تولید می نمودند.

تئوری مزیت مطلق (آدام اسمیت)

اقتصاددانی بنام آدام اسمیت نظریه هایی را مطرح کرد که براساس آن انجام مبادله بین کشورهای جهان باعث می شود تا میزان تولید و رشد اقتصادی افزایش یابد.

براساس تئوری وی اگر دو کشور ایران و پاکستان را در نظر بگیریم که تولید روزانه آنها طبق جدول زیر می باشد.

در این حالت دو وضعیت ممکن است اتفاق بیفتد:

الف) ۲ کشور رابطه ای با هم ندارند. در چنین شرایطی میزان تولید هر یک از ۲ کشور طبق جدول قبلی خواهد بود با توجه به آنکه هم غذا و هم لباس مورد نیاز است هر کشور یک روز به تولید غذا و یک روز به تولید لباس می پردازد. در نتیجه ایران ۱۰ واحد غذا و ۲ واحد لباس تولید می کند و پاکستان ۵ واحد غذا و ۱۰ واحد لباس تولید می کند.

	ایران	پاکستان
غذا	۱۰	۵
لباس	۲	۱۰

ب) ۲ کشور باهم رابطه تجاری دارند در این وضعیت بهتر است ایران فقط غذا و پاکستان فقط لباس تولید کند. اگر ایران ۲ روز غذا تولید نماید ۲۰ واحد تولید خواهد کرد و پاکستان در این مدت ۲۰ واحد لباس تولید می کند. دو کشور می توانند ۱۰ واحد از مازاد تولید خود را با هم مبادله کنند.

تولید



مازاد تولید

	ایران	پاکستان
غذا	۲۰	۰
لباس	۰	۲۰

	ایران	پاکستان
غذا	۱۰	۱۰
لباس	۱۰	۱۰

ارز و نرخ ارز

هر نوع وسیله پرداخت خارجی را ارز می نامیم و نرخ ارز برابر است با تعداد واحد پول داخلی لازم برای دریافت یک واحد پول خارجی.

پایان